

# حقوق ما

ما از عدالت سہمی داریم

سال ہشتم، شمارہ ۲۵/۲۳۱ آبان ۱۵/۱۴۰۳ نوامبر ۲۰۲۴

استقلال قضایہ



## در این شماره می‌خوانید:

- استقلال قضات در نظام حقوقی ایران
- استقلال قضات در معاهده‌های بین‌المللی
- حدود و ثغور علم قاضی در استقلال قضایی
- توسعه حقوق شهروندی در پرتو استقلال قضایی
- استقلال قضات و تاثیر آن بر نظام دادرسی عادلانه

ما از عدالت سهمی داریم  
دو هفته نامه الکترونیکی تخصصی حقوق بشر  
صاحب امتیاز و مدیر مسئول: سازمان حقوق بشر ایران / محمود امیری مقدم  
سردبیر این شماره: مریم غفوری  
تحریریه: حسین مهر اندیش، سیروان منصور، علی‌اصغر فریدی

صفحه‌بندی: مهور خوش‌قدم  
تماس با مجله: [mail@iranhr.net](mailto:mail@iranhr.net)

حقوق ما در ویرایش مطالب آزاد است!

یادداشت‌هایی که از روزنامه‌نگاران و اشخاص دریافت می‌شود نظر شخصی آنان است و دیدگاه مجله حقوق ما نیست.



حسین مهراندیش

عنوان ابزار تشخیص بهره جسته و به قناعت وجدان دست یابد و در این راه، بیم تعرض به جان و دارایی و مسند خود را از جانب هر شخصی نداشته باشد. عناد ورزی قوه تحت خدمتش او را به هراس نیافکند و تعارض منافع قوای دیگر مملکتی، تهدیدی بر ثبات اراده او نباشد. نیز قاضی باید در برابر افکار عمومی سست بنیان نباشد تا موجب فروپاشی پایه‌های عدالت نشود. با توصیفی که آمد استقلال قضایی از خصوصیات جوامع دموکراتیک بوده و بر همین اساس، جامعه‌هایی که در آنها نظام‌های دیکتاتوری بر مردم حکم می‌رانند، برخورداری از استقلال قضایی امری محال است. در این نوع جوامع، حکومت حول محور یک اندیشه ثابت حرکت کرده و ایده‌های مخالف، محکوم به قلع و قمع هستند و این واقعیت شکننده، فاقد استثناء می‌باشد. قوای مملکتی به اشکال مختلف آن، ملتزم به فرمانبرداری بی چون و چرا هستند و در این میان قوه قضاییه نیز به عنوان یکی از قوا - که وظیفه تأمین و صیانت از عدالت را در جامعه بر عهده دارد - تحت سیطره این سایه مخوف قرار دارد. به این ترتیب، قضات نیز به عنوان مهم‌ترین عوامل قوه قضاییه نمی‌توانند از استقلال لازم و کافی برخوردار باشند و در موارد تعارض منافع حاکمیت با حقوق دیگر، تکلیف آنان به وضوح روشن است.

استقلال قاضی از مباحث بسیار مهم در نظام‌ها حقوقی به شمار می‌رود که از قرون وسطی - که سلطه ظالمانه کلیسا، غلبه تعصبات دینی، نادیده گرفتن حقوق فردی و پیشی گرفتن قدرت بر قانون آن را به دوره‌ای تاریک بدل ساخته بود - دغدغه انسان‌های عدالت‌گرا بوده است. استقلال صرفاً به معنی مقاومت در برابر اراده و دستور غیر از خویش نیست. استقلال به معنی «بی‌طرفی محض» است و در جایی قاضی برای حفظ استقلال خود باید از دستور نفسانیات خود نیز سرپیچی کند تا غرض‌ورزی و حتی نگاه خوش‌بینانه، او را از نگاه عادلانه دور نسازد. قاضی باید از خود «قاضی» اش در برابر خود «نفسانی» اش با تمام قوا مراقبت کند. در مقاله حاضر، بیشتر در خصوص استقلال قاضی در برابر عواملی غیر از آنچه مورد اشاره قرار گرفت، بحث خواهد شد. استقلال قضایی را می‌توان «حاکمیت قانون با اتکاء به وجدان» در قاضی تعریف کرد. او باید بتواند در تصمیماتی که اتخاذ می‌کند بدون تأثیر پذیری از عاملی غیر از وجدان، از قوانین به

## استقلال قضات در نظام حقوقی ایران



تأکید بر ضرورت استقلال قاضی، از دیر باز و در اوایل قرن سیزدهم میلادی و با امضاء از زمان شکل‌گیری ابتدایی‌ترین جوامع انسانی، این سند حقوقی و تعهدنامه میان «شاه جان نیاز بشر بوده است. این موضوع، ملازمه با تدوین انگلستان» و بارون‌های شورشی آغاز به رشد قوانین موضوعه و مُدون نداشته و هر زمان و کرد که طی آن حتی قدرت مطلقه (شاه) نیز باید در هر منطقه جغرافیایی از جهان که افرادی تحت تابعیت قوانین در می‌آمد. هر چند در عمل، در مقام رسیدگی به اختلاف در بین مردمان این تعهدنامه بلافاصله و به طور کامل اجرا نشد برگزیده می‌شده‌اند «بی‌طرفی» آنان - که نماد بارز استقلال اراده در آنها بوده است - اولین و طبیعی‌ترین خواسته و نیاز مردمان و خاصه طرفین نزاع بوده و متأسفانه این مسند عموماً در اختیار افرادی قرار گرفته است که نه برای برقراری عدالت، بلکه برای رسیدن به امیال شخصی و نفسانی از آن بهره‌برده‌اند.

نیاز به استقلال قاضی به عنوان یک اصل بنیادین، از قرون وسطی و به خصوص قرن هجده و نوزده میلادی به شدت احساس شد. در این قرون، اراده قضاوت دستخوش اراده پادشاهان، اربابان فئودالی و یا کلیسا برای بهره‌برداری‌های سیاسی، اقتصادی و مذهبی بود که ظهور نظام‌های متمرکز دولتی و بوروکراسی‌های مدرن، موجب افشای سوءاستفاده‌ها شده و احساس نیاز به قضاوت مستقل از قدرت اجرایی و سایر نهادها را رقم زد. ریشه‌های استقلال قضایی، از منشور بزرگ «مگنا کارتا» (Magna Carta Libertatum) قضاوت (Act of Settlement) در سال

۱۷۰۱ میلادی در انگلستان، از قضاوت در برابر برکناری از شغل‌شان بدون دلیل حمایت می‌کرد و حقوق آن‌ها را از دخالت‌های سیاسی محافظت می‌نمود. با اقداماتی که ذکر شد، این اصل نهادینه شده و در نتیجه در قوانین اساسی دیگر کشورها نیز ورود پیدا کرد. برابر قانون اساسی ایالات متحده آمریکا در سال ۱۷۸۷ اصل تفکیک قوا به رسمیت شناخته شده و قوه قضائیه به یک نهاد مستقل تبدیل گشت. کشورها با تدوین قوانین اساسی مدرن، استقلال قضایی را به‌عنوان اصل بنیادین به رسمیت شناختند؛ به‌ویژه در نیمه دوم قرن بیستم با گسترش حقوق بشر استقلال قضاوت را به‌عنوان پیش‌شرط دادرسی عادلانه مورد توجه قرار دادند.

در قرن حاضر نیز نهادهای قضایی بین‌المللی مانند دیوان کیفری بین‌المللی (ICC) و دادگاه اروپایی حقوق بشر (ECHR) نمونه‌های بارزی از احترام به استقلال قضاوت دادگاه‌هایی است که در سطح بین‌المللی و در میان کشورهای متعدد، وظیفه و حق رسیدگی به دعاوی مطروحه را دارا می‌باشند. انتخاب قضاوت بر اساس شایستگی‌های حقوقی با اجتناب از تأثیرپذیری سیاسی یا خارجی، استقلال و بی‌طرفی قضاوت برای حفظ عدالت و شفافیت در دادرسی‌ها از مشخصه‌های بارز در انتخاب قضاوت دیوان کیفری بین‌المللی است. مطابق موازین حاکم، قضاوت این دیوان از امنیت شغلی برخوردارند و بر همین اساس، نمی‌توان بدون دلیل منطقی و موجه، آن‌ها را از مسندشات اساسی دیگر کشورها نیز ورود پیدا کرد. برابر آنان از فشارهای داخلی یا خارجی تأثیر گذار بر روند دادرسی عادلانه است.

از استقلال قضاوت دادگاه اروپایی حقوق بشر نیز که وظیفه نظارت بر اجرای کنوانسیون اروپایی حقوق بشر را در کشورهای عضو شورای اروپا بر عهده دارد به شیوه‌ای مشابه حمایت می‌شود.

در ایران، استقلال شغلی و جایگاه قضاوت در سال ۱۳۰۶ شمسی در قانون استخدام قضاوت برای اولین بار به شکل جدی در قانون استخدام قضاوت مورد توجه ویژه قرار گرفت هر چند پیش از آن، متمم قانون اساسی مشروطه در سال ۱۲۸۶ شمسی، اصول کلی این استقلال را تبیین کرده بود. بعد از حاکمیت جمهوری اسلامی در ایران اما، قائل بودن این استقلال برای قوه قضائیه به تبع آن برای قضاوت، موافق عقل نیست. این موضوع نیاز به تقلا برای اثبات ندارد چرا که قانونگذار به صراحت در اصل ۵۷ قانون اساسی، ضمن احصاء قوای مستقل کشور از یکدیگر، آن‌ها را «زیر نظر ولایت

مطلقه امر و امامت امت» معرفی می‌کند و به این ترتیب، دچار نقض غرض آشکار در تدوین قانون اساسی می‌شود. استقلال قاضی قید پذیر نیست و قانونگذار ایران، این مهم را نادیده گرفته است و بدین سان، آثار شوم قوه قضاییه و قضات فرمانبردار را بر آحاد ملت ایران تحمیل نموده است. همچنین است در مورد حق شکایت مردم از عملکرد قوه قضاییه و قضات به مجلس شورای اسلامی که در اصل ۹۰ قانون اساسی پیش‌بینی شده و متعاقباً کمیسیونی برای انجام وظایف مندرج در این اصل، در مجلس تشکیل شده است. بنا بر پیش‌گفته‌ها مبنی بر این که هر سه قوه مملکتی باید تحت امر ولی امر می‌باشند در صورت بروز هر تخلفی در قوه قضاییه با اطلاع رهبر، مجال انجام وظیفه برای کمیسیون اصل ۹۰ قانون اساسی وجود نخواهد داشت.

با اشاراتی که آمد، بی‌گمان قضات کشور از میان افرادی با شخصیت‌های مطیع، فرمانبردار و مُنفلع انتخاب می‌شوند زیرا آنان به درستی می‌دانند اصل ۱۶۴ قانون اساسی نمی‌تواند منجی‌شان باشد چرا که «مصلحت جامعه» مفهوم گسترده‌ای دارد و رئیس قوه قضاییه خواهد توانست با تمسک به آن، بدون محاکمه و بدون نیاز به ثبوت جرم یا تخلفی که موجب انفصال است آن‌ها را به‌طور موقت یا دائم

منفصل نماید یا محل خدمت یا سمتشان را تغییر دهد. بدین سان هست که سرنوشت عدالت به دست چنین افراد متزلزی سپرده می‌شود.

یکی از علل قابل تأمل و اساسی وجود اختلال در استقلال قوا در ایران و به‌طور خاص در قوه قضاییه، «مقام فرا قانونی رهبر ایران» است. در زمان انقلاب سال ۱۳۵۷ و قبل از تأسیس حکومت، نفوذ در افکار عمومی و جذب حمایت اکثریتی، با تأکید بر حقوق اساسی و کرامت انسانی آن‌ها به عمل آمده بود. تمام این وعده‌ها به شکل معنوی معرفی می‌شد تا جایی که «قصدها از حکومت» نیز از موضوعات مورد اشاره رهبری در بدو انقلاب بود. تغییر موضع اخیرالذکر در فاصله زمانی بسیار کوتاه، نه اجازه می‌داد کشور بدون تصویب قانون اداره شود و نه قرار گرفتن قدرت آسمانی رهبر دینی در تحت لوای قانون را برمی‌تابید. اما دیگر راهی عقلانی برای حل این موضوع وجود نداشت. وضعیت کنونی استمرار همان استیصالی‌ست که به وقوع پیوست و تا به امروز دامنه‌دار بوده است. فرمان‌دهنده نمی‌تواند فرمان بگیرد زیرا این خلاف صریح عقل است. در تمام این سال‌ها در ایران، مباحثاتی در این مورد از سوی افراد طرح گردیده که بعضی سرکوب شده و برخی به دلیل قرار داشتن در بیکره نظام حاکم و بروز تنش‌های داخلی میان صاحبان قدرت، مصون

از تعرض مانده‌اند اما بی‌گمان این نزاع محکوم به حل و رفع است و مطابق عقل، این قانون است که می‌تواند چراغ راه باشد و افراد جامعه در هر موقعیت و منزلتی باید از قانون تبعیت نمایند. و اما آسیب شناسی یک پرونده و روایتی از هراس افکنی به قیمت نقض صریح قوانین: در چند سال پیش مأمورین نقاب‌دار نیروی انتظامی پایتخت موسوم به یگان ویژه، افرادی با چهره‌های غیر پوشیده را به اتهام اخلال‌گران نظم عمومی در سطح شهر چرخانده و آن‌ها را با ضرب و جرح و دشنام‌های آزار دهنده، مورد آزار و تحقیر قرار می‌دادند. افکار عمومی استقبال زیادی از این رفتار می‌کردند اما بسیاری از آنان حتی این افراد را نمی‌شناختند و صرفاً به حکایتی که حاکمیت از آنان روایت می‌کرد بسنده می‌کردند و بر همان اساس، نتیجه‌گیری کرده و در مورد شایسته بودن یا نبودن نوع برخورد دستگاه قضایی و پلیس، اظهار نظر می‌کردند. در این واقعه چند فرضیه مطرح بود. آیا اساساً این افراد مرتکب رفتار مجرمانه‌ای که به آن‌ها نسبت داده می‌شد، شده بودند؟ آیا احتمال این که همه این افراد مجرم نبوده‌اند و در بین آن‌ها افرادی را به هر دلیل ممکن جهت اعمال شکنجه‌های روانی مضاعف به چنین صحنه‌هایی کشیده شده بودند، وجود داشت؟ آیا همه این انسان‌ها، متهم بوده‌اند یا مجرم؟ اگر ارتکاب جرم توسط آنان اثبات شده است مطابق کدام قانون در ملاً عام مورد تحقیر و دشنام و ضرب و جرح قرار می‌گیرند؟ آیا رفتاری که قوه قضاییه و پلیس با این افراد می‌کرد با اصل شخصی بودن جرم و مجازات مخالفت نداشت؟ در نهایت اینکه، آیا حاکمی که خود به قانون احترام نمی‌گذارد می‌تواند از شهروندان بخواهد مطیع قانون باشند؟! دقت در رُخداد، حکایت از این دارد که تمام این اقدامات با اراده معیوب یک «قاضی غیر مستقل» انجام می‌شد. در مورد چگونگی زوال استقلال این قاضی می‌توان تردید داشت اما دوری او از بی‌طرفی و غیر مستقل بودن وی محل تردید نیست.

به همین منوال هست در محاکمات و صدور حکم‌های اعدام فوری در مواردی که موضوعاتی مانند قتل کودکان و قتل به همراه تجاوز یا تجاوز به عُنف مطرح بوده و می‌شود. در این موارد، قاضی نمی‌تواند به دلیل فشار افکار عمومی امکان دفاع را از متهم گرفته و حق دادرسی عادلانه را از او سلب نماید ولو اینکه اولیاء دم و یا قشر عظیمی از مردم، مطالبه‌ای غیر از این داشته باشند. تنها در این صورت خواهد بود که مردم یک کشور «قداست عدالت» را به نیکی درک کرده و محوریت آن را بر خود محوری ترجیح خواهند داد.

متمم بوده‌اند یا مجرم؟ اگر ارتکاب جرم توسط

## استقلال قضا در معاهده‌های بین‌المللی



علی‌اصغر فریدی

## استقلال قاضی در قوانین حقوقی ایران، چگونه تضمین شده است؟

استقلال قاضی در قوانین حقوقی ایران، به عنوان یکی از اصول اساسی و دستورالعمل قوانین این کشور تضمین شده است. این استقلال به معنی عدم تحت‌الحمایگی قضایی است و بر اساس آن، قضا باید بدون هرگونه فشار یا تاثیر از سوی دیگران، به دستورالعمل قوانین اطاعت کند. در قوانین اساسی ایران، این استقلال به طور خاص در مفاد ماده ۴۶۱ و ۵۶۱ به تصویب رسیده است؛ این مفاد بیانگر این هستند که قضا، باید بدون هرگونه فشار یا تاثیر از سوی دیگران، به دستورالعمل قوانین اطاعت کنند و از هرگونه تعویق در اجرای دستورالعمل قوانین، خودداری کنند. استقلال قاضی در قوانین حقوقی ایران، به عنوان یکی از اصول بنیادی در نظام قضایی کشور، تضمین شده است.

چندین ماده از قانون اساسی و قوانین عادی، به این موضوع پرداخته‌اند:

یکم) قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، اصل ۶۵۱ که اشعار می‌دارد: قوه قضاییه، یک مرجع مستقل است که مسئول اجرای عدالت، حفاظت از حقوق افراد، و نظارت بر اجرای صحیح قوانین است. اصل ۷۵۱ می‌گوید: رئیس قوه قضاییه باید توسط رهبر، انتخاب شود و وظیفه حفظ استقلال قوه قضاییه را بر عهده

استقلال نهادهای قضایی و نظارتی از ضروریات حکومت قانون و ساختار سیاسی مبتنی بر جمهوریت است. نظارت و حضور دستگاه‌های نظارتی در مقوله پیشگیری از بروز فساد و مقابله با تخلفات احتمالی ارکان، حکومت بدون استقلال این نهادها میسر نخواهد بود. به همین سبب است که از دیرباز، هر رکن یا ارگانی که متصدی چنین مسئولیتی بوده است، مستقل بودن جزء رکن ذاتی‌اش تعریف شده است.

علی‌الرغم چنین ضرورتی و اهمیت استقلال قضایی، مختصات و مقدمات لازم برای صیانت از این وصف دستگاه قضایی در ساختار سیاسی یا بوروکراسی اداری، دچار نقصان می‌شود که تبعات و تالی فساد آن بر کسی پوشیده نیست. مجله حقوق ما در رابطه با تاثیر استقلال قاضی بر کارآمدی نظام قضایی و همچنین بحث استقلال قضا در قوانین و معاهده‌های بین‌المللی با الهام حیدری نژاد وکیل دادگستری، کارشناس ارشد حقوق بین‌الملل و فعال حقوق بشر، گفتگو کرده است.

دارد. اصل ۴۶۱ می‌گوید: قضات نمی‌توانند استانداردهای قضایی و استقلال قضات را بر بدون حکم قانونی و دادگاه صالح، از مقام خود عهده دارد. عزل شوند، مگر اینکه به درخواست خودشان شورای نظارت بر رفتار قضات: این شورا، مسئول رسیدگی به شکایات و نظارت بر رفتار باشد. (دوم) قانون نظارت بر رفتار قضات: این قانون به منظور تضمین استقلال و بی‌طرفی قضات، قضات کاهش یابد. تصویب شده است و شامل مقرراتی برای نظارت حمایت قانونی، قانون نظارت بر رفتار قضات: این قانون به منظور تضمین استقلال و بی‌طرفی بر رفتار و عملکرد قضات است، به نحوی که از هرگونه دخالت و فشار غیرموجه جلوگیری شود. قضات و جلوگیری از دخالت‌های غیرموجه، سوم) قانون آیین دادرسی کیفری و مدنی: این تصویب شده است. قوانین با تعیین ضوابط دقیق در زمینه نحوه رسیدگی به پرونده‌ها و صدور احکام، از استقلال قضایی حمایت می‌کند. (چهارم) شورای عالی قضایی: این نهاد وظیفه نظارت بر حسن اجرای امور قضایی و تضمین استقلال قضات را بر عهده دارد. استقلال قضات به حفظ عدالت و ارتقاء اعتماد عمومی به نظام قضایی کمک می‌کند. استقلال قضات در عمل، حفاظت از عزل بدون دلیل: طبق اصل ۴۶۱ قانون اساسی، قضات تنها با حکم قانونی و دادگاه صالح می‌توانند از مقام خود عزل شوند.

### رابطه کمیسیون اصل ۹۰ قانون اساسی با استقلال قضایی چیست؟

مدت خدمت ثابت: قضات نمی‌توانند بدون دلیل قانونی و دادگاه صالح، به مکان دیگری منتقل شوند، مگر به درخواست خودشان باشد. نظارت و تضمین: شورای عالی قضایی، وظیفه نظارت بر امور قضایی و اطمینان از رعایت

و پذیرش مجلس عالی قضایی انجام شود. که تحت نظارت قرار دارند و باید به عدالت و بنابراین، استقلال قضایی مجلس عالی قضایی بی‌طرفی عمل کنند. به عنوان یکی از اصول اساسی قانون اساسی ۳- تعامل با سایر قوا: کمیسیون اصل نود با ایران، از این کمیسیون حفاظت می‌شود. تعامل با سایر قوا، می‌تواند به ایجاد تعادل و کمیسیون اصل نود قانون اساسی، یکی از مهم‌ترین نهادهای نظارتی در نظام جمهوری اسلامی ایران است که نقش حیاتی در نظارت بر عملکرد قوا و دستگاه‌های دولتی دارد. این کمیسیون به بررسی شکایات و نظارت بر رعایت قوانین و مقررات توسط دستگاه‌های مختلف پرداخته و گزارشی از فعالیت‌های خود را به مجلس شورای اسلامی ارائه می‌دهد. رابطه کمیسیون اصل نود با استقلال قضایی، بسیار حساس و دقیق است، از یک سو، نظارت‌های این کمیسیون، می‌تواند به ارتقاء شفافیت و کارآمدی قوه قضاییه کمک کند، اما از سویی دیگر، باید مراقب بود که این نظارت‌ها، اصل نود می‌تواند شکایات و اعتراضات مردمی درباره عملکرد قوه قضاییه را بررسی کند. این بررسی‌ها به نوعی یک نظارت بیرونی بر عملکرد قوه قضاییه محسوب می‌شود که می‌تواند به بهبود کارکرد این قوه کمک کند. اما این نظارت نباید به گونه‌ای باشد که استقلال قضایی را تحت‌الشعاع قرار دهد. ۲- حفاظت از حقوق شهروندان: در مواردی که حقوق شهروندان توسط دستگاه قضایی تضییع شود، این کمیسیون می‌تواند با بررسی شکایات، به احقاق حقوق شهروندان کمک کند. این کار به طور غیرمستقیم به تقویت استقلال قضایی نیز می‌انجامد، زیرا قضات متوجه می‌شوند

۱- نظارت قانونی: کمیسیون اصل نود می‌تواند به تقویت این استقلال، کمک کند.

شکایات مردم را بررسی کرده و گزارشات در باره

نحوه اجرای قوانین توسط دستگاه‌های دولتی از جمله قوه قضاییه ارائه دهد. این نظارت می‌تواند

به بهبود عملکرد قوه قضاییه و تقویت استقلال قضایی کمک کند.

۲- تعامل با قوای سه‌گانه: کمیسیون اصل نود با تعامل مستقیم با قوای مقننه، مجریه و

قضاییه، می‌تواند توازن میان این قوا ایجاد کرده و از دخالت‌های غیرموجه در امور قضایی

جلوگیری کند. این تعامل، به حفظ استقلال قضایی کمک می‌کند.

۳- پیگیری شکایات مردمی: این کمیسیون می‌تواند به شکایات مردم در خصوص نحوه

عملکرد قوه قضاییه رسیدگی کرده و با ارائه گزارش‌های مفصل، قوه قضاییه را ملزم به

بهبود و صلاح رویه‌های خود کند. این موضوع باعث می‌شود قضاات در انجام وظایف خود

بدون ترس از فشارها و دخالت‌های غیرموجه، عمل کنند.

اهمیت حفظ توازن و استقلال قضایی: برای حفظ توازن و استقلال قضایی، نظارت کمیسیون

اصل نود باید به گونه‌ای باشد که ضمن اطمینان از اجرای صحیح قوانین، استقلال و بی‌طرفی

قضاات را نیز تامین کند. این کمیسیون نباید به گونه‌ای عمل کند که به استقلال قضایی لطمه

بزند، بلکه باید با نظارت هوشمندانه و متعادل، و بدون دخالت‌های خارجی صادر می‌شود. این

اعتماد عمومی، موجب افزایش همکاری مردم هستند از:

الف- ایجاد عدالت بی‌طرفانه: قضاتی که

۴- تضمین اجرای صحیح قانون: استقلال قضاات به تضمین اجرای صحیح و کامل قوانین،

کمک می‌کند. قضاات، آزادانه می‌توانند قوانین را تفسیر و اعمال کنند که باعث می‌شود قوانین به

درستی اجرا شوند و عدالت برقرار شود. ۵- مقابله با فساد و سوءاستفاده: قضاات مستقل

می‌توانند به طور موثر با فساد و سوءاستفاده از قدرت، مقابله کنند. این امر به پاک‌سازی نظام

قضایی و ارتقاء کیفیت خدمات حقوقی کمک می‌کند.

۶- تشویق به اصلاحات قضایی: وقتی قضاات استقلال داشته باشند، می‌توانند به شناسایی

نقاط ضعف و مشکلات موجود در نظام قضایی بپردازند و پیشنهادات اصلاحی ارائه دهند. این

اصلاحات به بهبود کارکرد سیستم قضایی کمک می‌کند. در مجموع، استقلال قضاات به ارتقای

عدالت، حفظ حقوق و آزادی‌ها، افزایش اعتماد عمومی، اجرای صحیح قانون، مقابله با فساد و

تشویق به اصلاحات قضایی منجر می‌شود که همگی این موارد باعث کارآمدی نظام قضایی

می‌گردند. استقلال قضاات به عنوان یکی از مهم‌ترین اصول نظام‌های قضایی دموکراتیک،

تأثیرات گسترده‌ای بر کارآمدی و اعتماد عمومی به دستگاه قضایی دارد.

ث- ارتقاء کیفیت قضاوت: قضاات مستقل می‌توانند بدون ترس از واکنش‌های منفی، در



تجزیه و تحلیل و بررسی دقیق پرونده‌ها، وقت بگذرانند. این مساله به ارتقای کیفیت قضاوت و صدور احکام عادلانه کمک می‌کند. این ماده به حفظ استقلال قضاوت و اجرای

ج- تضمین اجرای قوانین: قضاوت مستقل می‌تواند به اجرای صحیح و کامل قوانین کمک کند. وقتی قضاوت، آزادانه می‌تواند قوانین را تفسیر و اعمال کند، اطمینان حاصل می‌شود که قانون به درستی اجرا می‌شود و عدالت برقرار می‌شود.

چ- پایداری و ثبات نظام قضایی: یک سیستم قضایی مستقل و کارآمد، می‌تواند به پایداری و ثبات کل نظام حقوقی و سیاسی کشور کمک کند. استقلال قضاوت موجب می‌شود که دستگاه قضایی بدون ترس از تغییرات ناگهانی در سیاست‌ها یا فشارهای خارجی، به کار خود ادامه دهد.

**معاهده‌های بین‌المللی درباره اهمیت استقلال قضاوت چیست و مواد قانونی آن کدام است؟**

معاهده‌های بین‌المللی که به اهمیت استقلال قضاوت اشاره می‌کنند، معمولاً به حفظ استقلال قضاوت در دادگاه‌های بین‌المللی اشاره دارند. یکی از مهم‌ترین این معاهده‌ها، مقررات دادگاه

بین‌المللی دادگستری است که به حفظ استقلال قضاوت و اجرای قوانین بین‌المللی ارتباط دارد. مواد قانونی این معاهدات می‌تواند شامل موارد

زیر باشد:

ماده ۲۹ قانون دادگاه بین‌المللی دادگستری: این ماده به حفظ استقلال قضاوت و اجرای قوانین بین‌المللی اشاره دارد.

مقررات دیگر دادگاه‌های بین‌المللی: برخی دیگر از دادگاه‌های بین‌المللی نیز، مقررات خاصی برای حفظ استقلال قضاوت دارند. برخی از مهم‌ترین معاهده‌های بین‌المللی که به اهمیت استقلال قضاوت پرداخته‌اند و مواد قانونی مرتبط با آنها، عبارت هستند از:

۱- اصول اساسی استقلال قضاوت: این اصول در سال ۵۸۹۱ توسط مجمع عمومی سازمان ملل متحد، تصویب شد و به عنوان یک راهنمای جامع برای حفظ و حمایت از استقلال قضاوت در سطح بین‌المللی، شناخته می‌شوند. ماده یک: استقلال قضاوت باید توسط دولت تضمین شود.

ماده ده: حقوق قضاوت در برابر دخالت‌های نادرست، باید محفوظ باشد.

۲- پیمان بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی: این پیمان که در سال ۶۶۹۱ تصویب شده است، به عنوان یکی از مهم‌ترین اسناد بین‌المللی حقوق بشر شناخته می‌شود و به طور خاص به استقلال قضاوت اشاره دارد:

ماده چهارده: همه افراد حق دارند که دادگاه‌های مستقل و بی‌طرفی در مورد دعاوی حقوقی و اتهامات کیفری آنها، تصمیم‌گیری کنند.

۳- کنوانسیون اروپایی حقوق بشر: این کنوانسیون در سال ۰۵۹۱ تصویب شد و به ویژه به دعاوی رسیدگی کند.

۷- استانداردهای حداقل ملل متحد در مورد دادگاه مستقل و بی‌طرف.

ماده شش: حق به محاکمه عادلانه توسط یک دادگاه مستقل و بی‌طرف.

۴- منشور آفریقایی حقوق بشر و مردم: این منشور در سال ۱۸۹۱ تصویب شد و حقوق قضایی را در قاره آفریقا حفظ می‌کند.

ماده بیست و شش: کشورها باید نهادها و ارگان‌های قضایی مستقل را تضمین کنند. اصل بی‌طرفی: قضاوت باید بدون تعصب و بر اساس شواهد و قوانین، تصمیم‌گیری کنند.

۵- منشور عربی حقوق بشر: این منشور توسط کشورهای عضو اتحادیه عرب تصویب شده است و به حفاظت از حقوق بشر و تضمین عدالت می‌پردازد.

۸- اعلامیه قاهره درباره حقوق بشر در اسلام: این اعلامیه در سال ۰۹۹۱ توسط سازمان همکاری اسلامی تصویب شد و به حفاظت از

ماده دوازده: همه افراد حق دارند که به دادگاه‌های مستقل و بی‌طرفی برای بررسی دعاوی خود دسترسی داشته باشند. این معاهده‌ها و اصول بین‌المللی به طور جامع بر اهمیت استقلال قضاوت تأکید دارند و چهارچوب‌های قانونی لازم را برای حفظ و تقویت این اصل اساسی، فراهم می‌کنند.

۶- منشور حقوق بنیادین اتحادیه اروپا: این منشور که در سال ۰۰۰۲ تصویب شد، به محافظت از حقوق بشر و تقویت عدالت در سراسر اتحادیه اروپا می‌پردازد.

ماده یازده: هر فردی حق دارد که دادگاهی مستقل و بی‌طرف به دعاوی او رسیدگی کند و قضاوت باید بدون دخالت و فشارهای خارجی، به وظایف خود، عمل کند.

۹- کنوانسیون بین‌المللی حمایت از تمام افراد در برابر ناپدید شدن اجباری: این کنوانسیون در سال ۶۰۰۲ تصویب شده است و به حفاظت از حقوق افرادی که در معرض ناپدید شدن اجباری قرار دارند، می‌پردازد.

ماده چهارده: هر فردی حق دارد که به دادگاه‌های مستقل و بی‌طرفی در مورد دعاوی حقوقی و اتهامات کیفری آنها، تصمیم‌گیری کنند.

ماده هفت: هر فردی حق دارد که به دادگاه‌های مستقل و بی‌طرف دسترسی داشته و وظایف خود، عمل کند.

## حدود و ثغور علم قاضی در استقلال قضایی



## عدم استقلال قاضی، چگونه منجر به فساد قضایی در نظام دادرسی مدنی ایران می‌شود؟



### سیروان منصوری

استقلال قاضی بدین معنا است که یک دادرسی یا قاضی، فارغ از هرگونه باید و نباید غیرقانونی بتواند در منصب قضا، آزاد و مستقل و به دور از هر نوع اعمال فشار و نفوذ و یا دخالتی از سوی هر ارگان و نهاد و یا شخص مافوق و یا مادون و طرفین دعوا، حکم صادر کند.

با استناد به ماده ۸ قانون آیین دادرسی مدنی که اشعار می‌دارد: «هیچ مقام رسمی یا سازمان یا اداره دولتی نمی‌تواند حکم دادگاه را تغییر دهد و یا از اجرای آن جلوگیری کند، مگر دادگاهی که حکم را صادر نموده است و یا مرجع بالاتر، آنهم در مواردی که قانون معین نموده است»، درمی‌یابیم که قانونگذار اصل استقلال قضایی را در قوانین به صراحت لحاظ و اعلان کرده است و به آن پرداخته است که این خود نشان از اهمیت استقلال و بی‌طرفی قضات برای رسیدن به یک نظام دادرسی بر پایه عدالت و انصاف است که غالباً هدف غایی و نهایی در نظام‌های دموکراتیک و جوامع توسعه‌یافته و مدرن است.

در یک نظام دادرسی، اصل انصاف و عدالت، فقط با رعایت یک سری قواعد و مقررات اصولی و انسانی من جمله استقلال مقام قضایی محقق می‌شود. برای داشتن استقلال قضایی، علاوه بر قوانین نوشته‌شده، احتیاج به قواعد تضمین‌کننده‌ای هم داریم. استقلال قاضی از جمله تضمین‌های موثر در تحقق دادرسی عادلانه است. یکی از ملزومات شغل

هدف نهایی قانون، احترام به حقوق شهروندی و رعایت حقوق اساسی و بنیادین اوست. از عصر حمورابی که یکی از نخستین قوانین جوامع انسانی بر روی سنگ نوشته شد تا قرن معاصر، بشر برای احقاق حق و رسیدن به آزادی و برابری مسیرهای دشوار و پر از چالشی را طی کرده است.

حق دادخواهی و داشتن یک نظام قضایی منصف و برخورداری از دادرسی عادلانه از جمله حقوق اساسی ملت‌ها است، و این اهداف، جز در زیر چتر حمایت یک نهاد قضایی مستقل محقق نمی‌شوند و امکان استقلال برای سیستم‌های قضایی فراهم نمی‌شود، مگر در بستر یک نظام مترقی و پیشرفته که خود را با نیازهای روز جامعه همسو می‌کند و در راه رشد و تعالی می‌کوشد، جان کلام اینکه، احقاق حقوق بشر از دیرباز تا به امروز در پرتو یک نظام قضایی خودمختار و بالتبع آن، قضات و دادرسیین مستقل است که به عرصه می‌رسد.

مجله حقوق ما در رابطه با موضوع استقلال قضات، قوه قضاییه مستقل، تضمین‌های استقلال قضایی در نظام حقوقی ایران و بحث علم قاضی با بهاره خدابخش سامانی وکیل دادگستری، گفتگو کرده است.

قضا، که ارتباط مستقیمی هم به استقلال قاضی و پایستگی آن دارد، امنیت شغلی قضات است؛ به این معنا که قاضی در مقام ایفای وظیفه از یک ایمنی و آسودگی خاطر نسبی‌ای برخوردار باشد. در اصل ۴۶۱ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، بیان می‌دارد: «قاضی را نمی‌توان از مقامی که شاغل آن است بدون محاکمه و ثبوت جرم یا تخلفی که موجب انفصال است به طور موقت یا دائم منفصل کرد یا بدون رضای او، محل خدمت یا سمتش را تغییر داد، مگر به اقتضای مصلحت جامعه با تصمیم رئیس قوه قضاییه پس از مشورت با رئیس دیوان عالی کشور و دادستان کل. نقل و انتقال دوره‌ای قضات بر طبق ضوابط کلی که قانون تعیین می‌کند، صورت می‌گیرد.»

این اصول قانونی تا حدودی حجت را در ارتباط با نهاد قضایی تمام کرده‌اند، اینکه قاضی این اطمینان و دلگرمی را داشته باشد که اشتغالش مصون از تعرض غیرقانونی است، برای او فراغ بال به همراه دارد. بنابراین، تحت شرایط روانی مناسب و به دور از هر هراس و واهمه‌ای، می‌تواند به سوی احقاق حق و دفاع از آزادی‌های فردی و اجتماعی افراد جامعه، گام بردارد. لذا، بر ما مبرهن است که استقلال قضات اساس سبب‌ساز یک محاکمه قانونی و عادلانه است، اینکه محاکم بی‌آنکه تحت تاثیر فشارهای بیرونی باشند، بتوانند به تطلم‌خواهی مراجعین رسیدگی کنند.

در ایران بیش از صد سال است که در قوانین، سخن از استقلال قضایی و تضمینات آن رفته است، اما با نگاهی گذرا به اتفاقاتی که در این رهگذر از گذشته تا به حال افتاده است، می‌بینیم که با آنچه که هدف و خواسته مقنن بوده است فاصله داریم. با وجود اینکه، قانونگذار در قوانین مدون، استقلال قضایی را به رسمیت شناخته و آن را شناسایی کرده است، اما متأسفانه شاهد آن هستیم که استقلال قضات طی سالیان با تهدید جدی مواجه و درمضان تعرض بوده است. این اتفاق می‌تواند علل مختلفی داشته باشد که اهم آن مربوط به ساختار سیاسی نظام حاکمیتی می‌شود.

اینکه تا هر کجا که جامعه به سوی دموکراسی و برابری‌خواهی برود و حقوق بنیادین شهروندان را بشناسد و محترم بدارد، استقلال قضایی از تضمینات استوارتری برخوردار می‌شود، بنابراین یکی از دلایل اینکه استقلال قضات با اقبال روبرو نشده است، می‌تواند اقتدارگرایی باشد، اینکه قدرت در اختیار یک نهاد و یا مقام مافوق باشد، و نظام قضایی تنها مجری دستورات و اوامر نهادی باشد که قدرت را در اختیار دارد که پیامدهای منفی این امر، یکی از موانع بزرگ بر سر راه استقلال نهاد قضاوت قرار می‌گیرد و سیستم قضایی یک سرزمین را گرفتار مشکلات جدی می‌کند. مساله دیگری که قضات در ایران با آن روبرو هستند، میزان حقوق و دستمزدی است که در ازای اشتغال در محاکم قضایی دریافت می‌کنند، اگر منطقی و منصفانه به این قضیه نگاه کنیم، با توجه به نرخ تورم که البته مختص به قشر خاصی از جامعه هم نیست و خیلی از مشاغل به نوعی با آن درگیر هستند، می‌بینیم که این میزان از دستمزد بی‌تناسب با شغل صعب و سختی مانند

قضاوت است و این مساله به تنهایی می‌تواند نظام دادرسی را با چالش اساسی مواجه کند. در ماده ۲۱۲، قانونگذار اشعار می‌دارد: «در صورتی که علم قاضی، با ادله قانونی دیگر در تعارض باشد، اگر علم، بین باقی بماند، آن ادله برای قاضی معتبر نیست و قاضی با ذکر مستندات علم خود و جهات رد ادله دیگر، رای صادر می‌کند. چنانچه برای علم قاضی به چه معنا است و حدود و ثغور اختیارات قاضی در این امر به چه صورت است؟ به بیان ساده، علم قاضی یعنی آگاهی قاضی به زوایا و اتفاقات یک پرونده که برای رسیدگی قضایی به او محول شده است و در تعریف دقیق‌تر از قانون، با استناد به ماده ۱۱۲ قانون مجازات اسلامی می‌توانیم بگوییم: که علم قاضی عبارت از یقین حاصل از مستندات بین، در امری است که نزد وی مطرح می‌شود. در مواردی که مستند حکم، علم قاضی است، وی موظف است قراین و امارات بین مستند علم خود را به طور صریح در حکم قید کند. در ادامه، مستفاد از تبصره ماده فوق، که اذعان می‌دارد: «مواردی از قبیل نظریه کارشناس، معاینه محل، تحقیقات محلی، اظهارات مطلع، گزارش ضابطان و سایر قراین و امارات که نوعاً علم‌آور باشند، می‌توانند مستند علم قاضی قرار گیرند. در هر حال، مجرد علم استنباطی که نوعاً موجب یقین قاضی نمی‌شود، نمی‌تواند ملاک صدور حکم باشد.»

در یک پرونده مطروحه، قاضی می‌تواند با علم خود که از طریق ادله‌ای مانند نظر کارشناس و شهادت شهود و در کل از اوضاع و احوال پرونده به یک یقین رسیده است و به واسطه آن دلیل متقن، می‌تواند حکم صادر کند.

در ماده ۲۱۲، قانونگذار اشعار می‌دارد: «در صورتی که علم قاضی، با ادله قانونی دیگر در تعارض باشد، اگر علم، بین باقی بماند، آن ادله برای قاضی معتبر نیست و قاضی با ذکر مستندات علم خود و جهات رد ادله دیگر، رای صادر می‌کند. چنانچه برای علم قاضی، علم حاصل نشود، ادله قانونی معتبر است و بر اساس آن‌ها رای صادر می‌شود.»

از این ماده می‌شود نتیجه گرفت که علم قاضی در قوانین ایران از اعتبار بالایی برخوردار است، تا آنجا که قاضی می‌تواند مستندات پرونده را نادیده گرفته و با توجه به علم خود، رای صادر کند؛ به عبارتی واضح تر، اقتناع وجدان قاضی می‌تواند فصل‌الخطاب در یک پرونده باشد. این نشان از اهمیت بالای علم قاضی در نظام دادرسی و پروسه رسیدگی قضایی در محاکم دارد و به نقل از جناب «گلدوزیان» استاد مسلم حقوق، این اهمیت به درجه‌ای است که در مقام تعارض بین شهادت شهود و امارات قضایی، جانب اماره را باید ترجیح داد؛ زیرا قاضی از اماره قضایی مستقیماً اطمینان حاصل می‌کند، درحالی‌که استماع گواهی برای وی (به جای ایجاد علم) به طریق غیرمستقیم، فقط ایجاد ظن می‌کند. بنابراین، علم قاضی یقین قابل‌اعتنایی است که قاضی در طی بررسی و رسیدگی به پرونده به دست می‌آورد و بر اساس آن رای صادر می‌کند و تا آنجا می‌تواند پیش رود که تنها با استناد به علم خود، تکلیف یک دعوا را روشن کند. پس در نظام حقوقی ایران، حدود علم قاضی گستره وسیعی دارد

و مادامی که علم قاضی در قوانین یکی از ادله اثبات دعوی به شمار بیاید، این اعتبار قانونی در نظم و نظام قانون ایران، به قوت خود باقی و پابرجا است.

### قوه قضاییه مستقل و توانمند چه خصوصیتی دارد؟ استقلال قضات چگونه به استقلال قوه قضاییه کمک می کند؟

در بحث استقلال، ما با دو نوع از استقلال مواجه هستیم: یکی استقلال دستگاه قضا یا همان قوه قضاییه و دیگری استقلال قضات که اگر چه این دو لازم و ملزوم یکدیگر هستند، اما با هم تفاوت معنایی خاصی هم دارند.

برابر اصل ۷۵ قانون اساسی، قوای حاکم در جمهوری اسلامی ایران عبارت هستند از:

«قوه مقننه، قوه مجریه، قوه قضاییه که زیر نظر ولایت مطلقه امر و امامت، برطبق اصول آینده این قانون اعمال می گردند. این قوا مستقل از یکدیگرند.»

با صحبت از استقلال قوا، گریزی به تاریخ و قرن روشنگری، یعنی قرن هجدهم و فیلسوف نامی فرانسوی "مونتسکیو" می زنیم که نظریه پرداز اصل تفکیک قوا بود. به باور مونتسکیو، ارمان تمرکز قدرت، خودکامگی است و عدالت، مگر با منفک شدن سه قوا (مقننه، مجریه، قضاییه) از یکدیگر جاری نمی شود. در یک جامعه آزاد، اگر بخواهیم به آرمانها و اندیشه های متعالی دست بیابیم، در ابتدا باید عدالت را برقرار کنیم و این امر جز با توزیع قدرت در نهادهای حاکمیت، میسر نمی شود. اهمیت اصل تفکیک قوا در جوامع دموکراتیزه شده به درستی مشهود است و تا به آنجا

پیش می رود که با اصول دموکراسی پیوند می خورد. مادامی که قوای سه گانه از هم منفک و جدا باشند و استقلال داشته باشند و قدرت در یک نهاد جمع نشده باشد، شانس حاکمیت برای زیر پا گذاشتن اصول قانون و رفتن به سمت دیکتاتوری و توتالیتر هم کمتر است.

با تحولات تاریخی و سیاسی در طول ادوار گذشته، جدایی و تفکیک قوای سه گانه را در جهان برابری خواه حاضر شاهد هستیم. به طوری که در قانون اساسی بسیاری از کشورها از جمله ایران، اصل تفکیک قوا در اصول قانونی گنجانده شده است و در ساختار سیاسی حکومت به ظهور رسیده است. استقلال قوه قضاییه به معنی مصونیت محاکم و نظام دادرسی از هر گونه نفوذ و تعرض است؛ هر چه که قوه قضاییه مستقل تر باشد، عدالت پایسته و بایسته تر است و حقوق اساسی ملت به عنوان تابعین قانون، شایسته تر رعایت می شود. در اسناد حقوق بشری برگرفته از تاریخ، می بینیم که سخن از استقلال نهادهای قضایی رفته است.

اصل استقلال قضایی و نظام دادرسی منصفانه، از ابتدای تدوین اسناد حقوق بشری، مورد توجه بوده است. اسناد مهمی چون اعلامیه جهانی حقوق بشر در ماده ۱۰ و میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی در ماده ۴۱ و همچنین قطع نامه هایی که به تصویب مجمع عمومی سازمان ملل رسیده است، مهر تأیید این مطالب هستند. اعلامیه جهانی حقوق بشر و تأکید آن بر اصول برابری در مقابل قانون، حق بهره مندی از دادرسی منصفانه و علنی توسط دادگاه بی طرف و مستقل، که این خود نشان از ارزش بالای استقلال نهاد قضاوت دارد، زیرا که استقلال

قضایی ارتباط بی واسطه با توسعه عدالت و حقوق بشر دارد. با توجه به مطالب مذکور، یک تعریف نسبی از یک نهاد قضایی توانمند می توانیم داشته باشیم و آن، این است که قوه قضاییه، وقتی می تواند ادعای توانا بودن را داشته باشد که مستقل باشد و بدون تأثیرپذیری و بدون بیم و هراس از مقام مافوق و یا عوامل خارجی بتواند به صورت خودمختار و آزاد به اداره مسایل و امور مربوط به خود بپردازد و بدین وسیله بتواند عدالت و انصاف را برقرار کند.

یکی از اصول مهم تحقق دادرسی منصفانه در حکومت قانون، استقلال قضایی به معنای آزادی قاضی و نهاد قضا از هرگونه اعمال نفوذ، مداخله و تأثیر ناروا در روند تصمیم گیری های قضایی است. استقلال قضات بی ارتباط با استقلال قوه قضاییه نیست و این دو لازم و ملزوم یکدیگر هستند. وقتی که نهاد قضا، مستقل باشد، خواهی نخواهی قضات هم به عنوان شاغلین این نهاد، مستقل و آزاد از هر نهاد و سازمان و ارگانی هستند.

### اصول بنیادین ناظر بر تضمین استقلال قضایی در نظام حقوقی ایران چیست؟

در جهت تضمین اصل استقلال قضایی، سازوکارهایی مورد پیش بینی قانونگذار قرار گرفته است که از آن جمله، می توان به مقررات و قوانین در ارتباط با فرایند گزینش و استخدام قضات نام برد. با استناد به بند ۳ اصل ۸۵۱ قانون اساسی جمهوری اسلامی، یکی از وظایف رییس قوه قضاییه را "استخدام قضات عادل و شایسته و عزل و نصب آن ها و تغییر محل مأموریت و تعیین مشاغل و ترفیع آنان و مانند این ها، از امور اداری، طبق قانون"

تعیین کرده است. قانون استخدام قضات و شرایط کارآموزی، قانون شرایط انتخاب قضات دادگستری، ماده واحده قانون تشخیص لزوم کارآموزی مصوب، نشان از اتخاذ رویکرد شایسته سالاری و انتخاب اصلح در استخدام قضات دارد که این در جای خود حکایت از حساسیت نظام قضایی و شغل قضاوت دارد. یکی دیگر از قواعد تضمین استقلال، مصونیت شغلی قضات است، به این معنا که قاضی را نمی توان قبل از ثبوت جرم در دادگاه ذی صلاح با سلب صلاحیت قضایی به جهت عدم رعایت شئون قضا، از شغل قضایی منصرف کرد یا محل خدمت وی را بدون موافقت و رضایت او تغییر داد.

همچنین مقررات مربوط به عزل، انتقال و تغییر قضات را می توانیم ذکر کنیم که تمامی این قوانین و مقررات را قانونگذار در جهت تضمینات استقلال قضایی وضع کرده است و این پیش بینی های قانونی، جز به واسطه یک نظام سیاسی شایسته و حاکمیتی آگاه به خواسته ها و آمال حقوق بشر و اصول قانونی که بتواند نیازهای ذاتی و قانونی ملت ها را برآورده کند، به بار نمی نشیند. در قوانین ایران، تضمین هایی برای این امور مهم تعریف شده است، اما این تضمینات، همواره بنا به دلایل مختلفی با محدودیت مواجه بوده اند و مادامی که با مانع برای رسیدن به استقلال قضایی مواجه و محروم از یک نظام قضایی مستقل باشیم، این انتظار که قانون بتواند آن گونه که شایسته است از حقوق ملت حمایت کند و خلق بتواند به پشتوانه قانون به امنیت قضایی برسد، انتظاری عبث و بیهوده است.

## سیروان منصوری

مداخله در امر تحقیق جلوگیری کند و صرفاً پس از انجام تحقیقات از سوی بازپرس و با صدور کیفرخواست، تعقیب جرم را در دادگاه بر عهده گیرد.

با این حال به دلیل وجود چالش‌های متعدد از جمله امکان انجام تحقیقات توسط نهاد تعقیب در برخی از جرائم مانند ماده ۲۹ که مرتبط با جرائم مندرج در ماده ۲۰۳ قانون آیین دادرسی کیفری می‌باشد و یا صدور قرار بازداشت که به عنوان شدیدترین قرار تامین کیفری از آن یاد می‌شود، نیز به طور مستقل توسط بازپرس صادر نمی‌شود و باید حتماً به تایید دادستان برسد، نیاز به کمی تأمل دارد. بنابراین هم‌پوشانی در وظایف این دو نهاد، عملاً با وجود اعمال نهاد قضایی مختلط در سیستم دادرسی کیفری ایران، تا حد زیادی خدشه‌دار شده و غیرممکن است.

**ساختار اجرای احکام کیفری ایران، در پرتو استقلال قضایی به چه شکل است؟**

قاضی اجرای احکام کیفری قاعداً باید صرفاً مقامی اجرایی جهت اجرای رای دادگاهی باشد که رای قطعی و قابل اجرا را صادر نموده است و برای اجرای مجازات بر شخص مرتکب، اجرای صحیح مجازات را به قاضی اجرای احکام بسپارد. با این حال قاضی اجرا، عملاً گویا خود به عنوان یک نهاد تحقیق، بررسی، کارشناس دادگستری، صادرکننده رای و در آخر اجراکننده آن عمل می‌کند.

مجله حقوق ما، در رابطه با بحث استقلال قضات، نحوه‌گزینش آنان و رابطه آن با استقلال

قضایی و توسعه حقوق شهروندی، با دکتر زهرا وهبی مدرس دانشگاه و وکیل دادگستری، گفتگو کرده است که مشروح آن در زیر می‌آید:

**استقلال نهاد تحقیق از نهاد تعقیب کیفری در نظام حقوقی ایران، به چه شکل است؟**

با وجودی که حمایت و حفاظت از حقوق اشخاص، اعم از اشخاص حقیقی یا حقوقی در سیستم هر کشوری بر عهده قانونگذار هر کشور با حفظ استقلال کامل نهادهای مختلف از یکدیگر می‌باشد، این امر در برخی از کشورهایی مانند ایران که از سیستم قضایی مختلط بهره می‌گیرند، تا حدی غیرممکن بوده و هم‌پوشانی در این امر قابل مشاهده می‌باشد. اصل تفکیک نهاد تحقیق از نهاد تعقیب در مرحله مقدماتی قابل رویت است؛ بر اساس این اصل، انجام تحقیقات مقدماتی همه جرائم، بر عهده نهاد مستقلی به نام قاضی تحقیق و یا بازپرس بوده و تعقیب جرم نیز متعاقب انجام تحقیقات مقدماتی، بر عهده مقام تعقیب یا دادستان است. بر اساس این اصل، انجام تحقیقات مقدماتی تمامی جرائم باید بر عهده مقام مستقلی به نام قاضی تحقیق باشد و مقام تعقیب باید از هرگونه

## توسعه حقوق شهروندی در پرتو استقلال قضایی



چرا که علاوه بر بررسی این امر که آیا رای صادره از دادگاه رای قطعی می‌باشد یا خیر، باید به بررسی روند پرونده پرداخته و تمامی ابعاد پرونده را مانند بررسی وضعیت ابهام و اجمال در رای، بررسی سهو قلم، بررسی اشتباه در رای قاضی صادرکننده حکم، مانند بالغ بودن محکوم‌علیه در زمان ارتکاب جرم، رشد کیفری، عاقل بودن محکوم‌علیه در زمان ارتکاب جرم، فاقد اراده نبودن محکوم‌علیه در زمان ارتکاب جرم، بررسی مواعید مرتبط با مرور زمان در جرائم تعزیری، توجه به موارد تعدد و تکرار جرم، رفع اثر از تاملین و بررسی بسیاری از مصادیق دیگر، بر عهده نهاد اجرای احکام کیفری به ویژه قاضی اجرای احکام قرار گرفته است.

این در حالی است که در قانون قدیم آیین دادرسی کیفری، رفع ابهام از رای و اشکالات اجرایی بر عهده دادگاه بوده است، در حالی که این امر هم‌اکنون با تصریح ماده ۷۹۴ قانون آیین دادرسی کیفری، بر عهده قاضی اجرای احکام قرار گرفته است. این در حالی است که قاضی اجراکننده، امکان مخالفت با رای صادره از سوی دادگاه را نیز ندارد و عملاً تا حدی، استقلال قضایی در بخش‌های داخلی سیستم کیفری را نیز زیر سوال می‌برد.

**نحوه گزینش قضات و تاثیر آن بر استقلال قضایی در حقوق کیفری ایران، به چه شکل است؟**

البته با توجه به اصول ۶۵۱ و ۷۵۱ قانون اساسی، استقلال قاضی باید به صورت مطلق رعایت شده باشد و به دور از هرگونه اجبار و اکراه در صدور رای، در کنار اعمال اصل انصاف و استقلال قضات، رای مستند به مواد قانونی و اصل قانونی بودن جرم و مجازات باشد. با این حال استقلال دستگاه قضایی نسبی است، چرا که باید با سایر نهادها، همکاری‌های متناسب را انجام دهد.

البته باید به این نکته توجه داشت که دخالت در روند صدور و یا اجرای مجازات، عملاً به استقلال قضات و دستگاه قضایی خدشه وارد می‌کند، با این حال با وجود احداث و راه‌اندازی رشته حقوق در دانشگاه‌های ایران، و گاهی عدم توجه به توانایی‌های علمی و آموزشی اشخاصی که منصب‌های مهمی را برعهده گرفته‌اند که با حقوق اشخاص و حفظ آن به طور مستقیم در ارتباط هستند، باید توجه بیشتری به بعد علمی قضات در کنار اهمیت افکار مستقل، در چارچوب قانون و رعایت موازین قانونی صورت گیرد. البته به نظر می‌رسد که این امر تا حدی در قانون نظارت بر رفتار قضات مصوب ۰۹۳۱ با هدف کنترل، نظارت بر رفتارهای غیرقانونی و تخلفات قضات ایجاد و اعمال می‌شود. در عین حال، توجه بیشتر به اجرای این قانون، می‌تواند بر استقلال قضایی در حقوق کیفری ایران موثر باشد.

**رابطه استقلال قضات با توسعه حقوق شهروندی به چه شکل است؟**

حقوق شهروندی و رعایت آن در قانون مادر یعنی قانون اساسی، مستند به اصول نوزده، بیست و یک، بیست و دو، بیست و سه، بیست و چهار، بیست و شش، سی و یک، سی و دو، سی و سه، سی و چهار، سی و پنج، سی و شش، سی و هفت، سی و هشت و سی و نه، مورد اشاره قرار گرفته است. با این حال

در ماده ۰۷۵ قانون مجازات اسلامی، مصوب ۵۷۳۱ اصلاحی ۱۸۳۱، مقامات و ماموران وابسته به نهادها و دستگاه‌های حکومتی را به رعایت آزادی شخصی افراد، با توجه به حقوق مقرر در اصول قانون اساسی موظف نموده است و اگر بدون رعایت موازین قانونی، اشخاص را از حقوق خود محروم نمایند، علاوه بر انفصال از خدمت و محرومیت از یک تا پنج سال از مشاغل حکومتی، به حبس از دو ماه تا سه سال محکوم می‌شوند.

با این حال، قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی مصوب ۳۸۳۱، به رعایت این امر توسط ضابطان و مقامات قضایی تاکید نموده است و متخلفان از این اصول را مسئول دانسته است. با توجه به تاکید قانون‌گذاران در روند تدوین قوانین، چه در ایران و چه در امور بین‌الملل و کشورهای مختلف، این امر از وظایف سیستم کیفری در جهت احراز، اجرای صحیح و همچنین حفاظت از حقوق شهروندان بر عهده نهادهای حقوقی قرار داده شده است.

با این حال، گاهی عدم توجه به اصل استقلال قضات، می‌تواند توسعه حقوق شهروندی را در کنار حفظ این حقوق با مشکل مواجه سازد، چرا که عملاً در روند اجرایی نظارت، حفاظت و کنترل حقوق اشخاص، استقلال نسبی سیستم کیفری و نه استقلال مطلق آن مشاهده می‌شود.

## استقلال قضات و تاثیر آن بر نظام دادرسی عادلانه



### سیروان منصوری

#### شکل است؟

استقلال قضات در رسیدگی به دادخواهی و دعاوی مردم، یکی از شروط اساسی رسیدن به عدالت است و در واقع می‌توان گفت: بدون تحقق استقلال قضات در معنای واقعی آن، نمی‌توان انتظار تحقق عدالت و دادرسی عادلانه داشت. از عمده‌ترین مولفه‌ها و شاخص‌هایی که استقلال قضات در رسیدگی را تأمین می‌کنند، می‌توان به استقلال فردی و استقلال نهادی اشاره نمود. استقلال فردی، خود به فاکتورهای مهمی از جمله امنیت شغلی، مصونیت قضایی، برخورداری از حقوق و شرایط مالی مناسب و آزادی در تصمیم‌گیری‌ها بستگی دارد؛ با این توضیح که قضات نباید بدون دلایل قانونی و روشن، از سمت خود برکنار یا تحت تهدید قرار گیرند و مدت تصدی آن‌ها نیز باید تضمین شود.

همچنین، قضات در قبال تصمیمات خود در چهارچوب وظایف قضایی، نباید مورد تعقیب قرار گیرند، مگر در موارد سوءاستفاده یا نقض قانون. علاوه بر این، حقوق مالی قضات باید تضمین شود و قابل تعدیل به نحوی نباشد که بر استقلال آن‌ها تاثیر بگذارد و یکی از مهم‌ترین فاکتورهای استقلال فردی اینکه، قضات باید بتوانند تصمیمات خود را بر اساس قانون، شواهد و اصول حقوقی، و نه تحت تأثیر فشارهای سیاسی، اقتصادی یا اجتماعی، اتخاذ کنند.

استقلال نهادی نیز، به مساله اصل تفکیک قوا مرتبط است. بدین معنی که قوه قضاییه باید مستقل از قوه مجریه و قوه مقننه عمل کند و تحت نظارت مستقیم آن‌ها قرار نگیرد. همچنین، مدیریت امور داخلی قوه قضاییه، از جمله بودجه، استخدام و

استقلال قضات یکی از مهم‌ترین اصول در نظام‌های حقوقی مدرن است که نقش بی‌بدیلی در تضمین حاکمیت قانون و تحقق عدالت دارد. این اصل، شرطی بنیادین برای تحقق دادرسی عادلانه و منصفانه محسوب می‌شود و بدون وجود آن، امکان اجرای صحیح عدالت و تضمین حقوق اساسی افراد جامعه فراهم نخواهد بود.

استقلال قضات نه تنها به معنای آزادی آن‌ها از فشارهای سیاسی، اقتصادی یا اجتماعی است، بلکه شامل تأمین ساختارها و تضمین‌هایی است که آنان را قادر می‌سازد تا بدون ترس از تهدید یا اعمال نفوذ، تصمیم‌گیری کنند. بررسی مولفه‌های استقلال قضات و تحلیل تاثیرات آن بر دادرسی عادلانه، به شناسایی سازوکارهای لازم برای ایجاد یک نظام قضایی کارآمد و شفاف کمک می‌کند.

همچنین، این موضوع روشن می‌کند که چگونه فقدان استقلال قضات می‌تواند اعتماد عمومی به دستگاه قضایی را تضعیف کرده و به افزایش ناعدالتی و بی‌ثباتی اجتماعی منجر شود. در این راستا، تحلیل موانع تحقق استقلال قضایی، به ویژه در نظام حقوقی ایران، می‌تواند بستری برای ارائه راهکارهای عملی در جهت اصلاح نظام قضایی و تقویت اصل دادرسی عادلانه فراهم آورد.

مجله حقوق ما درباره موضوع استقلال قضات و تاثیر آن بر نظام دادرسی عادلانه، با سینا یوسفی وکیل دادگستری، گفتگو کرده است.

**مولفه های استقلال قضات چیست و تاثیرات آن بر تحقق دادرسی عادلانه به چه**

ارتقای قضات، نباید تحت نفوذ نهادهای دیگر باشد. علاوه بر این، انتخاب قضات باید بر اساس شایستگی و معیارهای قانونی و نه بر اساس گرایش‌های سیاسی یا ارتباطات فردی، انجام شود.

**فقدان استقلال قضات در امر رسیدگی و صدور احکام، چه تبعات سوئی بر جامعه دارد؟**

بین تحقق حاکمیت قانون و حق بر دادرسی عادلانه، با اصل استقلال قضات پیوند عمیقی وجود دارد و می‌توان گفت اینها لازم و ملزوم یکدیگر هستند و بدون سیستم قضایی مستقل و قضات بی‌طرف، تحقق عدالت، حاکمیت قانون و دادرسی عادلانه متصور نیست، فلذا در صورت فقدان استقلال قضات، جامعه از این ناحیه آسیب خواهد دید. علاوه بر این، فقدان استقلال قضات، محیط را برای گسترش فساد مالی مساعد می‌نماید و فساد مالی و تاثیر آرای دادگاه‌ها از طریق نفوذ، رشاء و ارتشاء باعث تضعیف جایگاه اصل دادرسی عادلانه می‌شود. در چنین رویه و شرایطی، ثبات و امنیت جامعه نیز با خطر روبرو می‌شود.

### موانع تأمین استقلال قضات و نظام دادرسی منصفانه در ایران چیست؟

اولین مانع در تحقق استقلال قضات، عدم تحقق استقلال نهادی است. یعنی نهاد قضاوت و قوه قضاییه در ایران، با توجه به سیستمی که وجود دارد، اساساً نمی‌تواند مستقل بوده و بی‌طرف عمل نماید، چون رییس قوه قضاییه توسط رهبر تعیین می‌شود و این امر، استقلال قوه قضاییه را تحت‌الشعاع قرار می‌دهد. در واقع، چنین ساختاری زمینه‌ساز وابستگی قوه قضاییه به قدرتهای سیاسی می‌باشد. این امر به ویژه در پرونده‌های سیاسی و حقوق بشری نمود پیدا می‌کند که یک طرف آن حاکمیت و طرف دیگر آن معترضین به حاکمیت و منتقدین آن هستند.

به عبارت دیگر، در سیستمی که قاضی در سوگندنامه خود، به جای تعهد به بی‌طرفی و استقلال، به «حمایت از مقام رهبری» قسم یاد می‌کند، طبیعی است که نمی‌تواند اصل بی‌طرفی و استقلال را در پرونده‌های حقوق بشری و سیاسی رعایت کند و با جانبداری از حاکمیت، اصل دادرسی منصفانه را مخدوش می‌کند.

دومین مساله ای که وجود دارد و تاثیر به سزایی بر استقلال قضات دارد، این است که فرایند انتخاب، انتصاب و ارتقای قضات در ایران شفاف نیست و گاهی بر اساس ملاحظات سیاسی، ایدئولوژیک یا روابط فردی انجام می‌شود که این امر باعث می‌گردد قضات به جای تمرکز بر اجرای عدالت، نگران حفظ موقعیت شغلی خود باشند. به همین ترتیب، امکان برکناری یا تغییر موقعیت قضات به صورت غیرقانونی یا تحت فشارهای سیاسی، امنیت شغلی قضات را به خطر می‌اندازد و آن‌ها را در برابر مداخلات نهادهای امنیتی، آسیب‌پذیر می‌کند.

این مداخلات، به ویژه در پرونده‌های سیاسی و حقوق بشری به شکل گسترده وجود دارد و قضات در اینگونه پرونده‌ها، تحت فشار نهادهای امنیتی یا سیاسی قرار می‌گیرند تا احکام مشخصی صادر کنند که این امر بر خلاف اصل دادرسی منصفانه است. نمونه بارز اینگونه احکام را می‌توان در محاکمه معترضین در اعتراضات دو سال اخیر و صدور احکام اعدام، حبس‌های طولانی‌مدت، تبعید و محرومیت از حقوق اجتماعی به وضوح دید که نهاد قضایی تحت امر نهادهای دیگر حاکمیتی قرار گرفت و نتوانست با حفظ اصل استقلال و بی‌طرفی، نقش خود را به عنوان نهاد دادخواهی حفظ نماید و به عنوان یکی از ابزارهای سرکوب سیستماتیک مورد استفاده قرار گرفت که این امر از طریق هزاران اسنادی که قربانیان و آسیب‌دیدگان در اختیار کمیته حقیقت‌یاب سازمان ملل متحد قرار دادند، اثبات و این اقدامات در ردیف جنایت علیه بشریت قرار گرفت.

نقش تشکیلات قضایی در حفظ جایگاه و امنیت قضات با توجه به اصل ۴۶۱ قانون اساسی چیست؟ با توجه به ایراد ساختاری عمیق در تشکیلات قضایی

که در بالا اشاره شد، اساساً نمی‌توان استقلال برای آن متصور گردید تا با استفاده از این استقلال، کارکردهای خود را ارتقا بخشیده و به حفظ جایگاه و امنیت قضات در این سیستم بپردازد. اصل ۴۶۱ قانون اساسی هم که به این موضوع اختصاص دارد، با به کار بردن اصطلاحات مبهم و قابل تفسیری مانند «مصلحت جامعه» این امر را با مشکل مواجه می‌کند. به عبارت دیگر، تا زمانی که تعریف دقیقی از اصطلاح «مصلحت جامعه» وجود ندارد، همواره از این اصطلاح به نفع مصلحت نظام و حاکمیت سوءاستفاده خواهد شد.

به عبارت دیگر، در نظام‌های قضایی که تحت فشار سیاسی هستند، عدالت، قربانی مصلحت نظام می‌شود. در چنین شرایطی، قضات به جای پایبندی به قانون و عدالت، مجبور به صدور احکام مطابق با منافع حکومت می‌شوند. این روند، اصل بی‌طرفی را از بین می‌برد و جایگاه قضات را تضعیف می‌کند، چرا که استقلال آن‌ها عملاً به یک شعار تبدیل می‌شود. در واقع، حفظ جایگاه و امنیت قضات که از مولفه‌ها و شاخص‌های تحقق اصل بی‌طرفی و استقلال است، تحت‌الشعاع سیستمی قرار دارد که خود از عوامل متزلزل‌کننده دادرسی عادلانه می‌باشد. فلذا، این سیستم بیمار نیاز به اصلاحات اساسی ساختاری دارد که در آن اصل تفکیک قوا به معنای حقیقی و واقعی رعایت شده باشد و در گام اول، رییس قوه قضاییه از طریق رهبر انتخاب نگردد، بلکه به مانند سیستم‌های دموکراتیک، از طریق ساز و کارها و نهادهای دموکراتیک انتخاب شود. پس از آن است که می‌توان از جایگاه و امنیت قضات و تقویت استقلال، بی‌طرفی و اصل دادرسی منصفانه و عادلانه سخن گفت.



# حقوق ما

ما از عدالت سهمی داریم  
دو هفته نامه الکترونیکی تخصصی حقوق بشر  
صاحب امتیاز و مدیر مسئول:  
سازمان حقوق بشر ایران / محمود امیری مقدم  
سر دبیر این شماره: مریم غفوری  
تماس با مجله: [mail@iranhr.net](mailto:mail@iranhr.net)